آیین

آیین باران‌خواهی در نواحی مختلف ایران

علی خوشتراش

■ آیین باران‌خواهی از جمله آیین‌هایی است که در سراسر دنیا با شیوه‌ها و گونه‌های متفاوتی برگزار می‌شود اما آن چیزی که همه این آیین‌ها را به هم مرتبط می‌کند مساله بی‌آبی و بی‌بارانی است؛ موضوعی که همه‌ساله، ابتدا کشاورزان و پس از آن دامداران را تهدید می‌کند.

کشور ایران به دلیل تنوع جغرافیایی، دارای فصول کشت مختلف است. مثلا در بسیاری نقاط که گندم پایه کشاورزی محسوب می‌شود، این محصول را در زمستان در گندم‌زاران دانه‌افشانی می‌کنند اما در نواحی دیگری که برنج می‌کارند فصل کشت محصول معمولا ابتدای بهار است به همین دلیل، فصول بی‌آبی و زمان نیاز به آب، خصوصا نیاز به ریزش باران متغیر است. از گذشته‌های بسیار دور کشاورزان و دامداران ایرانی، زمانی‌که از بی‌آبی و نباریدن باران مستاصل شدند اقدام به برپایی آیینی کردند که تا به امروز این رسم در نواحی مختلف برگزار می‌شود. این آیین در نواحی مرکزی ایران تحت عنوان «چمچه (قاشق) گلین (عروسک)» و گلین در بوشهر برگزار می‌شود. اگرچه امروز آیین چمچه گلین مانند دهه‌های گذشته از توجه بسیار کمتری برخوردار است اما هنوز گزارش‌هایی به دست می‌رسد که این رسم در نواحی مختلف اجرا می‌شود. نکته جالبی که در برگزاری این رسم قابل توجه است حضور کودکان است زیرا بدون آنها این آیین به هیچ‌وجه برگزار نمی‌شود. در مناطق گرم، خشک و حاشیه کویری ایران در این مراسم بچه‌ها «چمچه» یا قاشق چوبی بزرگی را تهیه می‌کنند و لباسی شبیه لباس عروسکی را که از قبل آماده کرده‌اند به تن چمچه می‌پوشانند و آن را چمچه گلین می‌نامند که این اسم می‌تواند به نوعی معنای عروس باران را تداعی کند. در ادامه اجرای این مراسم یکی از کودکان چمچه گلین را به دست می‌گیرد و همراه بچه‌های دیگر در حالی که ترانه عروس چمچه و تمنای باران را می‌خوانند برای گرفتن هدیه به در خانه‌ها می‌روند. این آیین اغلب در روستاها اجرا می‌شود و در میان شهرنشینان رواج ندارد. دسته با گروه باران‌خواهان که عروس باران را به همراه دارند و بر در خانه‌ها می‌روند در ابتدا با ریختن یک سطل آب از سوی صاحبخانه به روی عروسک با چمچه گلین روبه‌رو می‌شوند. صاحبخانه پس از ریختن آب مقداری حبوبات، مواد خوراکی، یا پول به بچه‌ها می‌دهد تا آنها پس از

دریافت ارزاق به در خانه دیگر بروند تا از صاحب آن خانه همان چیزی را طلب کنند که از خانه پیشین طلب کرده بودند. این دریافت ارزاق یا آذوقه در واقع خود برجای‌مانده از یک آیین کهن‌تر است که به آن می‌شود «گدایی آیینی» گفت. در پایان بچه‌ها با موادی که گردآوری می‌کنند به کمک زن‌ها و بزرگ‌ترهایشان آش مخصوص آیین باران‌خواهی را می‌پزند و آن را میان خود تقسیم می‌کنند.

در این مراسم دو نکته بسیار قابل توجه است که یکی حضور کودکان و دیگری پخت آش یا غذای جشن است. کودکان که در تمامی اقوام و ملل به پاکی و معصومیت شهرت دارند در واقع می‌توانند بهترین واسطه برای درخواست باران باشند و با نشان دادن شمایل زمینی عروس که در واقع «مام زمین» است ایزد باران را برای به زمین آمدن ترغیب می‌کنند و در نهایت برای جشن عروسی‌اش میهمانی به راه می‌اندازند و ولیمه می‌دهند.

این مراسم در گذشته در اکثر روستاهای مرکزی به ویژه منطقه سربند، شازند و همچنین روستاهای مناطق ترک‌نشین اجرا می‌شد و هنوز هم در برخی روستاها اجرا می‌شود.

در نواحی شرقی گیلان، اغلب روستاییان جلگه‌نشینی که برنج می‌کارند در ماه تیر با بحران کمبود آب روبه‌رو می‌شوند زیرا ماه تیر کم‌باران‌ترین ماه آنجاست. در این ماه اکثر منابع آبی بر اثر ذوب شدن برف‌ها به شدت کاهش پیدا می‌کنند تا حدی که اگر باران نبارد محصولات کشاورزی به ویژه برنج آنجا نابود خواهد شد. کشاورزان مناطق سیارستاق و رحیم‌آباد شهرستان رودسر، در اقدامی دسته‌جمعی از روستاهای مجاور برای اجرای مراسم باران‌خواهی یاری می‌جویند. به طوری که همه ساکنان بنا به وسع خود برنج و پول (برای تهیه قربانی) هدیه امامزاده محل می‌کنند تا در روز موعود غذای نذری پخته شود. در روز موعود بعد از تهیه غذا مردان به همراه ریش‌سفیدان و افراد پاک به آستانه امامزاده می‌روند و سینه‌زنان درهای امامزاده را می‌کنند و تشییع‌کنان به کنار رودخانه می‌برند و پای درها را در آب می‌گذارند و برمی‌گردند تا غذای نذری را میان مردم تقسیم کنند. پس از دادن غذا، درها را با احترام و خواندن دعا، دوباره به جای اول خود برمی‌گردانند. این آیین هرازگاهی در این مناطق برگزار می‌شود زیرا کم‌آبی شدید هر از چند سالی در آن نواحی اتفاق می‌افتد.

«طرح نوسازی بافت فرسوده» در کمیسیون ماده «۵» تصویب شد

بافت تاریخی گرگان مغلوب تیرآهن‌ها و بتون‌ها

الهه موسوی

عکس: مهر

طرح «بازسازی و بهسازی بافت فرسوده گرگان» بدون تصویب در کمیته فنی در کمیسیون ماده «۵» استانداری گلستان به تصویب رسید. این در حالی است که بسیاری از کارشناسان حوزه میراث فرهنگی، تصویب این طرح را آسیب جدی برای بافت تاریخی گرگان می‌دانند؛ بافتی که در سال ۱۳۱۰ و پیش از بافت‌های تاریخی یزد و کاشان به ثبت رسیده و به زعم کارشناسان معماری کشور قدیمی‌ترین بافت تاریخی در شمال ایران است.

کارشناسان طی این مدت به کرات نسبت به اشکالات فنی طرح، تذکراتی را به کارفرما داده‌اند؛ با این همه کارفرمای این طرح که یک طرح نیمه تمام و ناموفق به نام طرح آفتاب را در کارنامه خود دارد همچنان بدون توجه به این نظرات کارشناسی، در راستای تصویب طرح فوق فعالیت کرده است.

منتقدان طرح می‌گویند با وجود درگیر بودن بسیاری از مناطق حاشیه‌ای گرگان با مشکلات فراوان، چرا کارفرما همه را رها کرده و تنها بر بافت تاریخی چندصد ساله استرآباد دست گذاشته است. برخی کارشناسان بر این باورند که این اصرار تنها می‌تواند از یک انگیزه ناشی شود؛ منفعت اقتصادی که در بازسازی و البته تخریب بافت نهفته است. این طرح همچنین از سوی حجت‌الاسلام دکترطاهری نماینده اصولگرای گرگان تحریم و دو بار از کمیسیون ماده «۵» خارج شده بود.

بافت تاریخی نه فرسوده

حسین کتولی، کارشناس ارشد معماری و عضو هیات علمی دانشگاه جامع گلستان با تاکید بر مخرب بودن «طرح بهسازی بافت فرسوده گرگان» آن را از دو منظر قابل نقد دانست و در توضیح آن به «شرق» می‌گوید: «نخستین خطای این طرح، نام آن است که بافت تاریخی و ارزشمند چند هزار ساله را بافت فرسوده شمرده است. دوم اینکه کارفرمای این طرح، «شرکت عمران و مسکن‌سازان» وابسته به سازمان مسکن و شهرسازی است؛ درحالی که این حوزه متعلق به میراث فرهنگی کشور است و اگر میراث وارد نشود و چنین طرحی توسط هر سازمان و تشکیلاتی به جز میراث به اجرا درآید چیزی به نام بافت تاریخی در هیچ کجای کشور باقی نخواهد ماند.»

کتولی هشدار می‌دهد، اجرای این طرح منجر به ایجاد یک شهر ظاهرا مدرن زشت که در قلب خود تعدادی بناهای ثبتی فریز شده دارد، می‌شود. هسته‌ها و محورهای مرکز محلات و ارتباطات فرهنگی که در بافت داشته‌ایم از بین رفته و تنها مناظری داریم که باید از لابه‌لای آپارتمان‌های نوساز آنها را نظاره کنیم. او تاکید می‌کند که میراث فرهنگی استان گلستان باید به هر ترتیب در این طرح، موضع مثبتی را که اکنون گرفته، حفظ و بخش‌های میراثی طرح را به طور کامل لغو کند. همچنین خودش به عنوان کارفرما وارد ماجرا شود وگرنه از بزرگ‌ترین و مهم‌ترین بافت تاریخی شمال کشور، چیزی باقی نخواهد ماند.

عبدالرضا چراغعلی، عضو هیات علمی دانشگاه‌های گلستان و کارشناس ارشد معماری نیز با اشاره به اینکه متاسفانه طرحی که توسط مهندسان مشاور تهیه شده و به تصویب رسیده نظر علاقه‌مندان و کارشناسان را تامین نکرده و با این همه، مقامات مسوول و کارفرما بر اجرای آن، اصرار دارند درباره طرح «بهسازی و نوسازی بافت فرسوده گرگان» به «شرق» گفت: «این طرح به بخش‌هایی از بافت غیرتاریخی نگاه کرده و فقط از جنبه اقتصادی و ساخت‌وساز به موضوع بافت تاریخی ارزشمند این سرزمین پرداخته است.»

او گفت: «من می‌گویم متولی بافت، سازمان میراث فرهنگی است و هیچ سازمان یا شرکت دیگری نباید متولی رسیدگی به آن باشد. اگرچه شخصا به عنوان رییس کمیته فرهنگی شورا و رییس کمیته تخصصی سازمان نظام مهندسی استان، گلایه‌های زیادی را از نوع عملکرد سازمان میراث و گردشگری گلستان و بی‌مهری و کم توجهی آنها به بافت تاریخی دارم و معتقدم متولیان، کار شایسته‌ای را انجام نداده‌اند و نوع نگاه کارشناسی آنها در نعلبندان و محله پاسرو گرگان تنها تخریب به دنبال داشته است.»

منطقه میراث ملی

کتولی می‌گوید: منطقه‌ای که قرار است این طرح در آن پیاده شود در سال ۱۳۱۰ با شماره ۴۱ در فهرست میراث ملی به ثبت رسیده است. با این حساب می‌توان گفت که چهل و یکمین اثر فهرست میراث ملی در معرض خطر است. وی تاکید می‌کند هنگامی که یک اثر تاریخی به ثبت ملی می‌رسد، قوانین میراث فرهنگی کشور ناظر بر آن است؛ یعنی در داخل آن حق هیچ دخل و تصرفی وجود ندارد و در خارج از آن هم حریم تعیین‌می‌شود.

این مدرس دانشگاه می‌گوید: «در طرح فوق، مجری وارد منطقه ثبت شده میراث شده است و این ورود به بافت تاریخی، محدوده را به طور کامل از بین می‌برد. این در واقع، زیرپا گذاشتن ضوابط ملی و قوانین بین‌المللی است و تخلفات قانونی این طرح در سراسر کشور ما بی‌سابقه است.» به گفته کتولی، این منطقه که محدوده آن در اسناد میراث فرهنگی کشور، شمال خیابان امام خمینی گرگان تعیین شده و شامل مرکز محله و محله‌های سرچشمه، درب نو، میدان، سبزمشهد و... است بناهایی با قدمت چند صدساله دارد که در طرح بهسازی و نوسازی فوق یا به طور کامل تخریب می‌شود یا حریم بصری آن مورد تجاوز قرار می‌گیرد.

حل مشکلات ساکنان درون بافت

استدلال شرکت مجری طرح بهسازی و نوسازی بافت فرسوده گرگان و کمیسیون‌های مختلفی که برای این شرکت اجازه فعالیت و ارایه طرح را در بافت‌های تاریخی صادر کرده‌اند، این است که شهروندان ساکن در این محله‌ها با مشکلاتی از قبیل عبور و مرور خودرو، فرسوده شدن بنا و عدم دسترسی به گروه‌های امداد و نجات در صورت بروز حوادث و... مواجه هستند. به همین دلیل در طرح اولیه، از بازسازی و بهسازی این بافت‌ها سخن راندند. اما به گفته کارشناسان منتقد، این بازسازی در طرح فوق، به تخریب بنای تاریخی و ساخت بناهایی جدید و کاملا بی‌ارتباط با فرهنگ و سابقه منطقه مبدل شده است.

شهردار گرگان اما در پاسخ به منتقدان می‌گوید: «به نظر می‌رسد که کسی طرح را نخوانده است چرا که مشاور در دو بخش بافت فرسوده و بافت قدیم شهر کار کرده. ما ۲۸۰ پلاک را مشخصا به‌عنوان حریم نوشته‌ایم که برای هرگونه تغییر و انجام عملیات باید استعلام گرفته شود. منتقدان طرح باید توجه داشته باشند که شهرداری موظف است به این نیازها پاسخ دهد. مردم در عبور و مرور در کوچه‌های تنگ قدیمی مشکل دارند. برخی می‌خواهند خانه‌هایشان را تعمیر کنند یا چندطبقه بسازند. در نهایت ما مرجعی هستیم که پاسخ نیازهای روزانه مردم را می‌دهیم و میراث فرهنگی باید بیشتر و فعال‌تر عمل کند. اما اینکه مخالفان طرح نگرانند که تجربه طرح آفتاب تکرار شود، این‌گونه نمی‌شود چرا که در این طرح قرار نیست بنایی تاریخی تخریب شود بلکه بناها حفظ می‌شوند و بقیه خانه‌ها و خیابان‌ها به دلیل حل مشکلات مردم طبق ضابطه تغییر می‌کنند.»

کتولی در این‌باره به «شرق» گفت: «اینکه درون این بافت‌ها مشکلاتی هست را ما هم قبول داریم؛ کجای دنیا می‌توان بافت تاریخی پیدا کرد که دارای مشکل نباشد و بتواند نیازهای امروزی شهروندان را با همان فرسودگی مصالح صدساله، پاسخ دهد؟ اما در کجای دنیا سراغ دارید که بولدوزر سوار شوند و برای حل این مشکلات، آثار باستانی و بناهای ارزشمند تاریخی‌شان را با خاک یکسان کنند یا در اطراف یک بنا، بناهای چند طبقه بسازند که آن را در خود محصور کند؟ آیا این پاک کردن صورت مساله نیست؟» کتولی تاکید می‌کند که طرح مذکور، یک پروژه غیرقانونی و زیر سوال است و میراث فرهنگی گلستان با امضا کردن چنین طرحی، کاری خلاف قانون را همراهی می‌کند.

این عضو هیات علمی دانشگاه یادآوری می‌کند که طبق گزارش سازمان مسکن و شهرسازی عمر مفید تمام بناهایی که امروزه ساخته می‌شود ۳۵ سال است؛ در حالی که بناهای موجود، میراث صدها ساله هستند. ما می‌خواهیم این بناهای ارزشمند را خراب کنیم و در مقابل، ۳۰ سال دیگر هیچ چیزی برای تاریخ و بچه‌هایمان باقی نگذاریم. آیا روزگار ما را می‌بخشد؟

این کارشناس ارشد معماری با تاکید بر اینکه از اوایل قرن بیستم به این‌سو، دیگر عملیات اینچنینی در بافت‌های ثبت‌شده اروپا انجام نشده، گفت: «امروز دنیا راه‌حل‌های جدیدی برای مشکلات شهروندان یافته است که هم بافت تاریخی حفظ شود و هم شهروندان در آن به راحتی زندگی کنند. در کشورهای بزرگ پیشرفته، برای حفظ بافت تاریخی، خودروهای مخصوص طراحی کرده‌اند. در ایتالیا خودرو فیات، در انگلستان ماشین مینی‌ماینر و در فرانسه خودرو رنو به منظور تردد در کوچه‌های باریک در محدوده بافت تاریخی‌شان طراحی و تولید شد و حتی از این خودروها برای جمع‌آوری زباله و آتش‌نشانی نیز استفاده شد تا آثار ملی ارزشمند و روح زندگی درون آن حفظ شود. از سوی دیگر امروزه گران‌ترین هتل‌های دنیا در اروپا در محدوده بافت تاریخی قرار دارد و هتل‌های تازه ساز مجلل گاه تا یک پنجم آن قدیمی‌ها، قیمت دارند. دنیا این‌گونه میراث ملی‌اش را حفظ می‌کند.»

عبدالرضا چراغعلی نیز در این‌باره تاکید کرد: «ما معتقدیم رونق ساخت و ساز در بافت تاریخی، معنا ندارد و فقط بازسازی و احیا را می‌خواهیم و نه تخریب. ما باید میراث موجودمان را با چنگ و دندان حفظ کنیم. این تجربه در برخی نقاط مثل یزد، اصفهان و شیراز اجرا شده که عینا بافت تاریخی حفظ شده و در عین حال آن را بازسازی و مرمت کرده‌اند. باید از کاربری‌های مناسب استفاده شود.» او اظهار امیدواری می‌کند که در طرح جامع شهر گرگان، با اعمال نظر تخصصی، افق روشن‌تری را برای بافت تاریخی داشته و امانتدار خوبی برای آینده باشیم؛ هر چند تاکنون نبوده‌ایم.

> **بافت‌های ناپایدار و بی‌هویت و بی‌حساب و کتابی که امروز در حاشیه گرگان و نیز برخی روستاهای حاشیه‌ای در اطراف گرگان شکل گرفته به توجه و بازسازی جدی نیاز دارند که نگاه شرکت‌ها به جای بافت ارزشمند تاریخی، باید به شکل تخصصی و کارشناسی به این شهرک‌ها باشد و بحث بافت فرسوده را رها کنند**

چرا بافت تاریخی درون محدوده؟

بسیاری از سکونتگاه‌های واقع شده در مناطق مختلف مرکز استان گلستان، دارای بحران‌های جدی هستند که تاکنون هیچ طرحی برای رفع مشکلات آنها به منظور کمک به شهروندان به انجام نرسیده است. اما اینکه چرا شرکت مجری و متولی «طرح بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده» برای کمک به شهروندان، دست روی یک منطقه ثبت شده میراث کشوری گذاشته جای پرسش‌های بسیاری را باقی می‌گذارد. شاید مرکزیت داشتن منطقه موردنظر طرح و وسوسه ارزش افزوده‌ای که از آن منطقه مهم تجاری به دست می‌آید انگیزه‌ای منطقی و اقتصادی به شمار آید؛ انگیزه‌ای که در این بازار گرم انبوه‌سازی و تجارت، هر ارزش انسانی و قانونی را نادیده گرفته است.

عکس نمای هوایی از بافت تاریخی گرگان

چراغعلی در این باره تاکید می‌کند: «بافت‌های ناپایدار و بی‌هویت و بی‌حساب و کتابی که امروز در حاشیه گرگان مثل کوی عرفان، کوی محتشم، اسلام‌آباد، اوزینه، قلعه حسن و انجیراب و نیز برخی روستاهای حاشیه‌ای در اطراف گرگان شکل گرفته به توجه و بازسازی جدی نیاز دارند که نگاه شرکت‌ها به جای بافت ارزشمند تاریخی، باید به شکل تخصصی و کارشناسی به این شهرک‌ها باشد و بحث بافت فرسوده را رها کنند.»

این مدرس دانشگاه معتقد است که چون تاکنون سازمان میراث فرهنگی گلستان بسیار ضعیف عمل کرده، عده دیگری ادعای متولی بودن آن را دارند و این اشتباه است. بنده دخالت هر سازمانی به غیراز سازمان میراث فرهنگی را در این حوزه و در بافت تاریخی سرزنش می‌کنم و معتقدم فقط سازمان میراث فرهنگی گلستان حق ترمیم و بازسازی بافت را دارد.

بی‌توجهی به میراث فرهنگی در سطوح کلان کشور

بی‌توجهی به میراث فرهنگی یکی دیگر از عوامل اساسی است که باعث بروز بحران در بسیاری از نقاط تاریخی و باستانی ارزشمند کشور شده است، این را حسین کتولی می‌گوید. او معتقد است اداره کل میراث فرهنگی گلستان، زیرمجموعه‌ای از سازمانی است که اساسا سال‌هایی طولانی است که نگاه فرهنگی به مقوله میراث نداشته بلکه نگاهی صرفا بهره‌ورانه، سیاسی و فردی دارد. این عضو هیات علمی گروه معماری دانشگاه جامع گلستان تاکید می‌کند حوزه میراث فرهنگی که اصلی‌ترین بارهویتی و داشته‌های یک ملت را یدک می‌کشد غالبا توسط افراد غیرمتخصص با مدارک دانشگاهی غیرمرتبط اداره می‌شود؛ در حالی که این حوزه نیاز به افرادی دارد که هم تخصص و هم دغدغه میراث فرهنگی را داشته باشند.

اسدالله معطوفی پژوهشگر تاریخ و مدرس دانشگاه معتقد است که حجم در گردش پول که زمینه‌ای برای تولید ندارد به دنبال مرداب اقتصادی می‌گردد و بافت تاریخی گرگان نیز اسیر این پول و سود حاصل از آن است. او به شرق می‌گوید: «جایی که سرمایه سرگردان است چیزی به نام فرهنگ و تمدن نمی‌شناسد. طبیعی است که برای سرمایه‌گذار به صرفه نیست که در جاده ناهارخوران بر زمین متری دو میلیون تومان، سرمایه‌گذاری کند. پس باید این سرمایه را در جایی ببرد که بازگشت پول و سودش بالا باشد و چه جایی ارزان‌تر از بافت تاریخی مرکز شهر؟» این دکترای تاریخ بر این نکته تاکید می‌کند که تنها راه حفظ و حراست از ابنیه تاریخی تعمیر، ترمیم و واگذاری آنها به صورت استیجاری از سوی میراث به شهروندان است تا هم موجب کسب درآمد و هم باعث حفظ آنها شود. مردمی که در بافت تاریخی گرگان زندگی می‌کنند می‌گویند علاوه بر اینکه دغدغه حل مشکلات خود را دارند، می‌خواهند بافت نیز حفظ شود به شرط آنکه زندگی آنها مختل نشود. بسیاری از آنها برای ساخت و ساز آپارتمان اقدام کرده‌اند اما مجوز آن صادر نمی‌شود.

میراث فرهنگی گلستان نیز می‌خواهد زمین و بنای آنها را به قیمت بسیار پایین خریداری کند؛ قیمتی که برابر یک‌پنجم ارزش روز آن است. به همین دلیل آنها نیز مجبور هستند بنای جدید را در همان زمین و همان ملک قدیمی احداث کنند و این روند، منجر به تخریب بناهای تاریخی می‌شود.

مردم ساکن در بافت می‌پرسند: اگر این بناها ارزش ثبت کردن و حفظ و نگهداری را دارند، پس چرا اداره کل میراث فرهنگی گلستان برای خرید آنها رقم بسیار پایین و اندکی را پیشنهاد می‌دهد؟ اما میراث گلستان نیز همان پاسخی را می‌دهد که بسیاری از دیگر ادارات کل و حتی وزارتخانه‌ها می‌گویند؛ بودجه نداریم! مشکلی که این روزها برای خودش به اژدهایی در اجرای برنامه‌های توسعه چهارم و پنجم تبدیل شده است؛ اژدهایی که می‌رود تا همه چیز را از جمله حفاظت و حراست از میراث باستانی چندهزارساله ایران زمین را تحت تاثیر قرار دهد.

میراث‌نامه

۷۶ آسیاب، بند و پل تاریخی در حاشیه رودخانه کر

■ **میراث خبر:** رودخانه کر قرن‌هاست از میان دشت مرودشت یکی از باستانی‌ترین منطقه‌های ایران عبور می‌کند در حاشیه این رودخانه دست‌کم ۷۶ اثر تاریخی بازمانده از دوره‌های مختلف تاریخی اعم از آسیاب آبی، پل و بند تاریخی، سیستم‌های آبیاری و کانال‌های انحرافی آب به سمت اراضی کشاورزی، بازارچه‌های تاریخی و... وجود دارد.

در مسیر رودخانه کر در دوره‌های مختلف تاسیسات و ساختارهایی ایجاد شده است که هم به لحاظ معماری و هم به لحاظ تاریخی دارای ارزش فوق‌العاده‌ای هستند. بر اساس آمارهای موجود در مجموع در این محدوده ۶۲ آسیاب آبی تاریخی فعالیت می‌کرد که در دیلمیان ۲۷آسیاب آبی، بند فیض‌آباد ۱۲ آسیاب، بند تیلکان هفت آسیاب، بند سطح‌آباد دو آسیاب، بند فیروزی دو آسیاب و در بند دشت‌بال دو آسیاب آبی فعال بوده است.

همچنین در این محدوده دو بند (سد) بازمانده از دوران هخامنشی، دو دیلمی و چهار بند بازمانده از دوره اسلامی شامل یک صفوی، بند سطح آباد، بند فیروزی و یک بند دشت‌بال و شش پل تاریخی بازمانده از دوره‌های مختلف دیده می‌شود.

مجموعه معماری آبی دوره هخامنشی مشتمل بر دو پل و دو بند و سیستم آبرسانی سد داریوش مربوط به این دوره است. همچنین در کنار این مجموعه معماری آبی بازمانده از دوره دیلمیان که بند امیر یکی از آنهاست را می‌توان نام برد، تنها تعداد آثار بازمانده از دوره دیلمیان در این منطقه مشتمل بر بیش از ۲۷ آسیاب آبی و چندین پل و بند تاریخی، سیستم‌های آبیاری، کانال‌های انحرافی آب رودخانه به اراضی کشاورزی و بازارچه تاریخی و... می‌شود.

علاوه بر این محوطه حاشیه رودخانه کر در دوره اسلامی هم رونق فراوانی داشته است به همین دلیل مجموعه معماری آبی بازمانده از دوران اسلامی هم در این منطقه قابل توجه است، بند فیض‌آباد و بند تیلکان، بند فتح آباد، بند دشت‌بال، بند فیروزی که علاوه بر پل و بند دارای آسیاب‌های متعدد آبی بوده است، یادگاری از دوران اسلامی در این منطقه است. به همه این موارد باید پل‌های تاریخی متعدد مربوط به دوران مختلف از جمله پل ابرج، پل خان، پل فتح آباد، پل سیوند، پل اتابکی، پل داریوش، پل

فیض‌آباد و پل بند امیر را نیز اضافه کرد.

بهره‌برداری از انرژی آب در فرآیندهای مختلف تولیدی و صنعتی توسط گذشتگان این دیار از نکات بسیار با اهمیت نهفته در معماری آبی رودخانه کر است. وجود آسیاب‌های آبی با تنوره‌های بلند که گاه پنج سنگ آسیاب را به‌حرکت در می‌آورده است نشانه‌ای از تکنولوژی پیچیده و ذکاوت صنعتگران ایرانی آن دوره‌ها بوده است به همین دلیل به نظر می‌رسد ضروری است یکی از این آسیاب‌ها به صورت نمونه احیا شده و در معرض دید گردشگران قرار گیرد. بدون شک راه‌اندازی یک آسیاب آبی منطبق بر معیارهای معماری باستانی نظر بسیاری را به خود جلب خواهد کرد.

هخامنشیان روی رودخانه کر در فارس بندهای تاریخی بسیاری احداث کرده بودند، این بندها برای آبیاری زمین‌های پیرامون تخت‌جمشید ایجاد شده بود. با اینکه آثاری از تمامی سدهای ساخته شده در زمان هخامنشی‌ها در دست نیست اما برخی از بندها که تا به امروز روی آن رودخانه به جای مانده است دارای پایه‌های هخامنشی هستند. از جمله آنها می‌توان به «بند ناصری» اشاره کرد که در ۴۸ کیلومتری شمال غربی تخت‌جمشید واقع شده است.

«ابن بلخی» (سده پنجم) سد ناصری را چنین توصیف می‌کند: «در این قسمت رودخانه در زمان‌های قدیم سدی ساخته شده بود که آب کافی را برای آبیاری زمین‌ها تامین می‌کرده است اما در روزگاران هرج و مرج که اعراب به سرزمین ایران تاختند این سد رو به خرابی نهاد و در تمام حوزه‌های رامجرا (را مجرد) دیگر کشاورزی انجام نشد.»

سد دیگر «بند فیض آباد» نام دارد که درحدود ۴۸ کیلومتری شمال تخت‌جمشید قرارگرفته است چنان که گفته شده یکی از سه‌بندی که روی رود کر ساخته شده بوده ۲۵ متر درازا و ۲۵ متر بلندا داشته است. در نزدیکی شهرک «کوار» در جنوب شیراز سد هخامنشی دیگری به نام «بند بهمن» روی رودخانه «مند» بنا شده است. طول بند در حدود صد متر و بلندای آن حدود ۲۵متر است. البته بخش عمده‌ای از این سد تاکنون از گل و لای پر شده است.